

اثر سرمایه‌گذاری دولت در بخش ورزش بر رشد اقتصادی در ایران

پرویز رستم زاده^۱

حسین صادقی^۲

عباس عساری^۳

کاظم یاوری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۳

چکیده

ورزش و تفریحات سالم به‌عنوان یک صنعت پیش رو، به طور مستقیم و غیرمستقیم در توسعه نقش دارند. ورزش باعث افزایش سطح سلامت و تندرستی جامعه، کاهش هزینه‌های بهداشتی و درمانی، افزایش چشمگیر اشتغال و با ورود سرمایه‌های پولی و مالی باعث افزایش رشد اقتصادی در کشور می‌گردد. در حال حاضر، ورزش و تفریحات سالم در کشورهای توسعه یافته به عنوان یک صنعت مهم و عامل اثرگذار در رشد اقتصادی این کشورهاست. کشورهای دنیا با ایجاد زیرساخت‌های لازم برای برگزاری رویدادهای جهانی و قاره‌ای، زمینه را برای ایجاد رشد اقتصادی خود هموار کرده‌اند. با توجه به اینکه در اقتصاد ایران دولت نقش اساسی دارد، در ورزش نیز حضور پررنگی دارد.

در این مقاله، اثر سرمایه‌گذاری دولتی در بخش ورزش بر رشد اقتصادی برای دوره زمانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۸-۸۹) مورد ارزیابی قرار گرفته است. بدین منظور از الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شده است.

نتایج حاصل از تخمین حاکی از این است که سرمایه‌گذاری دولت در ورزش اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی ندارد. در واقع ضریب متغیر ورزش در مدل ۰.۰۲۳ می‌باشد که در سطح ۵ درصد معنی‌دار نیست. با توجه به این موضوع، توصیه می‌شود که دولت در زیر ساخت‌ها و آموزش‌های مربوط به ورزش سرمایه‌گذاری کرده و زمینه را برای ایجاد ورزش‌های عمومی و حرفه‌ای با بهره‌وری بالا فراهم آورد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری، اقتصاد ورزش، ARDL و رشد اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: B22, O47, L83

۱. استادیار بخش اقتصاد دانشگاه شیراز (parvizrostamzadeh@shirazu.ac.ir)

۲. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (dr.h.sadeqi@gmail.com)

۳. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (assari_a@modares.ac.ir)

۴. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (kyavari@gmail.com)

۱- مقدمه

ورزش و تفریحات سالم به‌عنوان یک صنعت پردرآمد، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در توسعه کشورهای دنیا نقش دارند. در حال حاضر ورزش و تفریحات سالم در کشورهای توسعه یافته، یک صنعت مهم و عامل اثرگذار در رشد اقتصادی این کشورهاست. ورزش یکی از بزرگترین و پردرآمدترین صنایع در قرن ۲۱ به‌شمار می‌رود. صنعت ورزش به سرعت جهانی شده و قلمرو آن همه جا را تسخیر کرده است. این صنعت با همه جنبه‌های اقتصادی آن از جمله رسانه‌های گروهی، پوشاک و غذا و... توانسته است سهم عمده‌ای از GDP کشورها را به‌دست آورد؛ به‌طوری‌که سهم صنعت ورزش از GDP، در برخی از کشورهای پیشرفته بیش از ۲ درصد گزارش شده و جایگاه این صنعت را در بین دیگر صنایع ارتقاء بخشیده است.

تحولات گوناگون طی چند دهه اخیر بخصوص در بخش صنعت و فناوری، بر رابطه بین اقتصاد و ورزش تأثیر گذاشته چنانکه امروز حجم پول در گردش، در بخش صنعت فراغت به‌طور عام و در بخش ورزش به‌طور خاص، ورزش را به یکی از شیوه‌های کسب درآمد ملی و منطقه‌ای تبدیل کرده که چشم پوشی از آن امکان‌پذیر نیست. بررسی‌ها در جوامع پیشرفته نشان داده‌اند که ورزش از عوامل تأثیرگذار در رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورها، در آینده خواهد بود. ورزش با ایجاد مکانیسم‌های مؤثر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد تأثیر گذاشته که این تأثیرات شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- ورزش باعث افزایش سطح سلامت و تندرستی در میان افراد جامعه می‌شود و افزایش سطح سلامت با تأثیر بر سرمایه انسانی و نیز سرمایه اجتماعی، سبب افزایش سطح بهره‌وری اقتصادی در بخش‌های تولیدی و خدماتی می‌گردد.

۲- گسترش ورزش سبب افزایش سطح سلامت شده و هزینه‌های بهداشتی، درمانی و هزینه‌های جانبی آن را در جامعه کاهش می‌دهد.

۳- افزایش چشمگیر شاغلان در بخش ورزش که بر روند جاری اقتصاد حاکم بر کشورها، بخصوص کشورهای پیشرفته تأثیر گذاشته و از حجم بیکاران در حال افزایش کاسته است.

۴- از ورزش به‌عنوان ابزاری مؤثر برای بازاریابی و فروش کالاهای ورزشی و غیر ورزشی استفاده می‌شود.

۵- سرمایه‌های پولی و مالی به بازارهای داخلی از طریق برگزاری مسابقات ورزشی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی وارد می‌شود.

به‌طور کلی نقش اقتصادی ورزش را می‌توان در دو دسته تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی تقسیم نمود. اثراتی چون تولید کالاها و خدمات ورزشی، صادرات و واردات، هزینه‌های

خانوار، ایجاد اماکن و تسهیلات، تبلیغات، مشارکت در بورس، پوشش رسانه‌ای، اشتغال، جذب گردشگر و حامیان مالی در زمره اثرات مستقیم اقتصادی ورزش قرار می‌گیرند. اثرات اقتصادی غیرمستقیم ورزش نیز در زمینه‌هایی چون ارتقاء سطح سلامت جامعه، کاهش هزینه‌های درمان و به تبع آن توسعه برنامه‌های ملی سلامت، کاهش بزهکاری‌ها، کاهش غیبت کارکنان و افزایش عملکرد و بهره‌وری آنها و در نتیجه، رشد و توسعه اقتصاد می‌باشد (Sanderson et al., 2000).

بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم سرمایه‌گذاری در ورزش و تأثیر آن بر روی رشد و توسعه اقتصادی، یک مساله بسیار مهم برای اقتصاد کشورها می‌باشد. کانادا، انگلیس و آمریکا از جمله کشورهایی هستند که تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه انجام داده‌اند. صنعت ورزش در آمریکا نوعی ماشین اقتصادی است که سالانه میلیون‌ها دلار درآمد دارد (Meek, 1997).

بر اساس نظر مارکو هان (Haan, M., et al 2002) قرن ۲۱ بدون صنعت ورزش غیر قابل تصور است. این صنعت با تولید و عرضه محصولات مصرفی و غیر مصرفی مرتبط با فعالیت‌های ورزشی، در پیشبرد اهداف ورزش و تفریحات سالم نقش بسزایی دارد. رواج ورزش و تفریحات سالم در عصر حاضر بویژه در کشورهای توسعه یافته سبب رونق هرچه بیشتر این صنعت شده است. هرچند صنعت ورزش در دهه ۱۹۹۰ میلادی از قدرت خاصی بیش از آنچه تصور می‌شد، برخوردار بود (Rosner, 1989). ولی هنوز یک صنعت جوان است و تمامی مشکلات یک صنعت جوان را داراست.

کمیت و کیفیت بخش‌های صنعت ورزش در هر کشوری با توجه به اندازه و دامنه این صنعت متفاوت است از این رو تا کنون الگوی واحد و یکسانی برای آن ارائه نشده است. سیاست‌های کلی، عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیستم‌های اقتصادی کشورهای مختلف از جمله عوامل دخیل در این امر به شمار می‌روند. لذا بررسی وضعیت اقتصادی این صنعت و تأثیر آن روی رشد و توسعه اقتصادی یکی از اولویت‌های تحقیق می‌باشد.

هدف اصلی این مقاله، ضمن بررسی اجمالی این صنعت به ارتباط بین سرمایه‌گذاری در ورزش و رشد اقتصادی در ایران می‌پردازد. در ادامه سازماندهی مقاله به شکل زیر است: در بخش دوم مقاله، مبانی نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش سوم مقاله، مطالعات انجام شده توضیح داده و در بخش چهارم، معرفی الگو و داده‌ها و در بخش پنجم، با استفاده از الگوی اقتصاد سنجی و نرم افزار microfit به تخمین مدل پرداخته شده است. بخش ششم، مربوط به نتیجه‌گیری و پیشنهادات می‌باشد.

۲- مبانی نظری

ضرورت جهانی شدن ورزش از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. این ضرورت، باعث تغییر نقش ورزش در جامعه گردیده و فرصت‌های درآمدزایی بسیاری را برای افراد، مؤسسات و رسانه‌های مختلف ایجاد نموده است (white, 2000).

در عصر حاضر نمی‌توان از اهمیت اقتصادی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ورزش و تفریحات سالم در توسعه جوامع مختلف چشم‌پوشی کرد (Sanderdon et al., 2000).

اطلاعات حاصل از بررسی اثرات اقتصادی این صنعت، مهم‌ترین ابزار تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های صحیح اقتصادی در این بخش محسوب می‌شود. عقیده غالب در بین مردم بعضی از جوامع، نگرستن به ورزش به مانند یک کالای مصرفی است و از اهمیت آن در تولید و رشد و توسعه اقتصادی و توزیع بهتر درآمدها غافل‌اند. هر چند پرداختن به ورزش نیازمند هزینه‌های بالای زیربنایی است ولی این هزینه‌ها را نمی‌توان در کنار مخارج و هزینه‌های مصرفی قرار داد. امروزه به همان نسبت که درآمدهای ملی صرف ورزش می‌شود، در بعضی از رشته‌های ورزشی در کوتاه‌مدت و در بعضی از دیگر رشته‌های ورزشی در درازمدت می‌توان میزان برگشت سرمایه را به صورت مستقیم و غیرمستقیم مشاهده نمود.

به دنبال سرمایه‌گذاری در ورزش، میزان اشتغال مستقیم و غیرمستقیم افزایش می‌یابد و در کنار آن، امکان جذب درآمد از طریق برگزاری مسابقات بین‌المللی، جذب گردشگران و سطح سلامت و بهداشت جسمی و روانی جامعه افزایش می‌یابد. مانع اصلی در روند سرمایه‌گذاری در بخش ورزش کشورها عدم رؤیت منافع قابل برگشت حاصل از این سرمایه‌گذاری به صورت مستقیم می‌باشد. در حالی که نگرش مثبت به ورزش و امور جنبی آن سودهای سرشاری را به طور مستقیم و غیرمستقیم در آینده نصیب آنان می‌نماید. وجود نگرش مثبت در جوامع پیشرفته نسبت به ورزش، سبب سرمایه‌گذاری در امر ورزش به منظور بالا بردن سطح سلامت و تندرستی و تأثیر بر افزایش سطح بهره‌وری در تولید می‌شود و همچنین بر سرمایه انسانی و اجتماعی هم اثر می‌گذارد. همین امر سبب شده که رفته رفته بیشتر کشورهایی که قبلاً توجه چندانی به آن نشان نمی‌دادند، سهمی رو به افزایش برای سرمایه‌گذاری در امور ورزشی قائل شوند. چنانکه بودجه تربیت بدنی و ورزش در کشورهای توسعه یافته یا بعضی از کشورهای در حال توسعه با سرعت بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. چرا که این گونه کشورها به تأثیرات درازمدت ورزش از لحاظ رشد و توسعه اقتصاد ملی واقف گشته‌اند.

ورزش یک سرمایه‌گذاری درازمدت است که اثر آن در رشد و توسعه معلوم و محرز است. سرمایه‌گذاری در ورزش از جمله سرمایه‌گذاری‌هایی است که دارای دوران باروری کوتاه‌مدت و

درازمدت می‌باشد. که با پرداخت به آن می‌توان نتایج اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شایان توجهی را به دست آورد و در تأمین نیازهای جامعه و رفاه ملی کوشید. رشته‌های ورزشی از طریق سه عرضه کننده اصلی ارائه می‌شوند: دولت، جامعه و بخش خصوصی که فلسفه و اهداف آنها در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱. فلسفه و اهداف عرضه کننده‌های ورزشی

بخش خصوصی	جامعه	دولت	
برطرف ساختن تقاضای مردم و سودآوری	ورزش برای اعضا	ورزش همگانی	فلسفه
بیشینه‌سازی سود	محدودتر در عضوگیری، برای مردم با فلسفه‌های مشابه و غیرانتفاعی	کمک به رفاه شهروندان و تولید فضای ورزشی غیر انتفاعی	اهداف
سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، پذیرش‌ها، شهریه استفاده کنندگان	شهریه‌های اعضا، اعانه‌ها	مالیات‌ها و شهریه استفاده کنندگان	امور مالی
حرفه‌ای	حرفه‌ای و داوطلب	حرفه‌ای، اغلب خدمات مدنی و بعضی داوطلبان	هدایت و رهبری
آزاد برای همه کسانی که هزینه آن را می‌پردازند	محدودیت‌های سازمانی، اغلب برای سنین مختلف و ساکنان منطقه	آزادی برای همه	عضوگیری
باشگاه‌های ورزشی خصوصی	سازمان‌های کوچک ورزشی	مکانهای ورزشی ملی	مثالها

مأخذ: (اشنفلدر، ۱۳۹۰)

از آغاز پایه‌گذاری علم اقتصاد تاکنون، نظریه‌های مختلفی برای نحوه اداره و مدیریت بخش دولتی و افزایش سطح رفاه برای شهروندان و افزایش اعتماد آنها به حکومت و دولت از سوی اندیشمندان و اقتصاددانان ارائه شده است. بحث اندازه دولت و نقش آن در اقتصاد، سیاست و فرهنگ نیز جزء مباحثی است که نقش اساسی را در سیاستگذاری دارد. براون و جکسون اندازه دولت را نشان‌دهنده میزان دخالت دولت در اقتصاد می‌دانند که به حجم عملیاتی که توسط وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ارگان‌های وابسته به دولت، اعم از سازمان‌های مرکزی ایالتی، منطقه‌ای و شهرداری و تأمین اجتماعی انجام می‌گیرد، اشاره دارد.

معمولاً بودجه دولت به مثابه سند نشان‌دهنده برنامه‌ها و اهداف دولت باید متناسب با وظایف دولت باشد که می‌تواند اندازه مطلوب را نشان دهد. مادامی که درآمدهای سرانه در اقتصاد رشد می‌کند، اندازه نسبی بخش عمومی نیز گسترش می‌یابد (عساری و افضل، ۱۳۸۹). پارادایم اول مربوط به دولت "مدیریت دولتی سنتی"^۱ بود و با ظاهر شدن ابعاد منفی و نقاط ضعف آن، پارادایم دیگری به نام "مدیریت دولتی نوین"^۲ ایجاد شد که خصوصی سازی و کوچک سازی دولت را شعار اصلی خود قرار داده بود. اما آمال و اهداف مدنظر این جریان فکری نیز در بسیاری از کشورها حتی در کشورهای مبدع آن نیز مثمرتر واقع نشد و به زودی مشخص شد این پارادایم نیز قادر نیست خیر و رفاه مناسب و عادلانه‌ای برای شهروندان فراهم سازد و موجب گسترش بی اعتمادی به دولت و افزایش رانت و فساد و رشوه گردید.

از این رو اندیشمندان مجدداً به دنبال طراحی پارادایم‌های دیگری رفتند که ظهور "خدمات عمومی نوین"^۳ و "حکمرانی خوب"^۳ از جمله آنهاست (میدری، ۱۳۸۵). بررسی عمقی از بحث گذر از دولت بزرگ به حداقل دولت و سپس حکمرانی خوب نشان می‌دهد که قبل از پایان جنگ جهانی دوم، تا حدودی دیدگاه کینزی که لزوم دخالت دولت را تجویز می‌کرد، در میان کشورها رواج داشت. اما پس از پایان جنگ جهانی به علت امر بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ در کشورهای در حال توسعه و صنعتی، توجیهات محکم‌تری را برای افزایش دخالت دولت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراهم کرد و نیز با توجه به تجربه‌هایی که در دوران رکود بزرگ اتفاق افتاد و نیز اندیشه‌های کینزی که درمان رکود و بیکاری را مداخله بیشتر دولت در اقتصاد می‌دانست، کشورهای در حال توسعه نیز مداخله دولت در سطوح مختلف از صنعت تا سطوح کلان و از سطح منطقه‌ای تا ملی را مجاز دانستند.

روند افزایش مداخله دولت در اقتصاد و پیامدهای منفی این گسترش موجب گردید که در اواخر دهه ۱۹۷۰ حداقل در جهان غرب، مشکلات عدیده اقتصادی و ناکامی‌های مستمر سیاست‌های اقتصادی ایجاد شود که به تدریج زمینه را برای طرح انتقادات و شک و تردید نسبت به دخالت دولت در اقتصاد ایجاد نمود و مقولاتی چون تعیین اندازه مناسب و بهینه دولت و تغییر نقش دولت به نظارت و هدایت اقتصاد به جای تصدی‌گری مطرح گردید. بدین ترتیب، مجادلات نظری در محافل علمی نسبت به دخالت دولت و متقاعد شدن مدیران و تصمیم‌گیران اجرایی و سیاسی کشورها نسبت به تخصیص غیر بهینه و ناکارآمد منابع تولید در اثر گسترش حجم دولت و بروز اختلاف‌ها در ابعاد

-
1. Public Administration
 2. New Public Services
 3. Good Governance

مختلف اقتصادی نمایان شد که بار دیگر تئوری کلاسیک (دولت حداقلی) توانست از تئوری رقیب پیشی بگیرد. سرانجام در پایان دهه ۱۹۷۰ و آغاز دهه ۱۹۸۰ در کشور انگلستان و به دنبال بقیه کشورهای صنعتی و تا حدی کشورهای در حال توسعه، بحث کوچک‌سازی دولت، سیاست خصوصی سازی و کاهش حجم دخالت دولت به منظور رفع اختلافات و انگیزه‌های پیدایش آنها مورد توجه جدی قرار گرفت. از این‌رو در کشورهای در حال توسعه و سوسیالیستی، زمینه کاهش دخالت دولت از یک سو و از طرف دیگر، توسعه ورود بخش خصوصی به اقتصاد فراهم شد و بدین ترتیب، دوره دوم شروع و با هدف توسعه اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها و بهبود عملکرد شاخص‌های اقتصادی، سیاست این دوره کاهش حجم دولت و خصوصی سازی اعلام گردید (عباسی، ۱۳۸۸).

با این حال، کوچک سازی دولت‌ها تا پایان دهه ۱۹۸۰ در دستور کار گرفت، ولی مسائل و مشکلاتی که متعاقب نظریه "دولت حداقلی" وجود داشت، موجب گردید از اواسط ۱۹۹۰ نارضایتی نسبت به رویکرد دولت حداقل شکل بگیرد و از پایان آن دهه، رویکرد "حکمرانی خوب" و مفهوم "مدیریت نوین دولتی" مورد استقبال گسترده قرار گرفت. همان محافل بین‌المللی مروج دولت حداقل، به تدریج به ترویج نظریه "حکمرانی خوب" با رویکرد دولتی نوین پرداختند که در این بین، نظریه پردازان و اقتصاددانانی همچون لوئیس گان، کریستوفر هود، داگلاس نورث، رونالد کاوز و بیش از همه، ژوزف استیگلیتز نقش مهمی در توسعه مفهوم این نظریه داشته‌اند.

استیگلیتز در کنار دیگر اقتصاددانان نهادگرا از اواسط دهه ۱۹۹۰ سیاست‌های تعدیل اقتصادی را مورد انتقاد قرار داد و معتقد بود که تعامل سازنده دولت - بازار می‌تواند راهگشای موفقیت فرایند اصلاحات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه باشد. در این مسیر، آنچه از اهمیت اساسی برخوردار بوده، علاوه بر توانمندسازی بخش خصوصی، اعمال اصلاحات گسترده در حوزه دولت است. وی اشاره داشت که دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند نه دو نهاد رقیب. بنابراین به جای بحث از مداخله یا عدم مداخله دولت باید از کارایی و اثربخشی مداخله دولت سخن گفت. در واقع، دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، باید با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم‌هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به عنوان حمایت کننده، موجبات رشد اقتصادی را فراهم سازد.

در واقع تجربه ناکامی رویکردهای نادرست اتخاذ شده در اواخر دهه ۱۹۸۰ که بر خصوصی سازی محض، بازارهای داخلی، مناقصه رقابتی، شاخص‌های عملکردی در سطح سازمان و تشویق عملکرد تأکید داشتند، از یک سو و دیدگاه منفی بخش خصوصی به دولت که ناشی از نگرانی‌های برخاسته از فساد، رانت‌های گسترده، سوء استفاده از قدرت انحصاری در بخش‌های دولتی بود، موجب گردید که دولت‌ها به این واقعیت تلخ اذعان کنند که نظریه دولت حداقلی کفایت لازم را

ندارد و نارضایتی‌ها و مشکلات به وجود آمده موجب می‌شود که همان اندک مشروعیت باقی مانده خود را نیز از دست بدهند، زیرا شهروندان و فعالان بخش خصوصی به‌طور چشم‌گیری اعتماد خود را نسبت به دولت از دست داده بودند. لذا به نوعی مفهوم تعدیل یافته دولت حداقلی با رویکردی نوین مبتنی بر شفافیت عملکردها، پاسخگویی دولت‌ها، حاکمیت قانون و کاهش فساد و رانت‌خواری تحت عنوان "حکمرانی خوب" شکل گرفت.

اصل اقتصاد رفاه در بخش ورزش نیز جدا از بخش‌های دیگر اقتصاد نیست. یکی از شاخص‌های اصلی در حکمرانی خوب، اثربخشی دولتی است که سرمایه‌گذاری در ورزش می‌تواند یکی از این موارد باشد. در سراسر جهان، حضور دولت در بخش ورزش یک موضوع قابل توجه و البته اساسی است. اما منطق دفاع از ایده حضور دولت در ورزش همیشه بحث‌برانگیز بوده و هست. تا اواسط قرن نوزدهم از این ایده تا حد زیادی با تقاضای دولت برای آمادگی نظامی توجیه می‌شد، بدین معنی که ورزش باعث ایجاد آمادگی جسمی در میان مردم می‌شد و در نتیجه دولت می‌توانست در صورت لزوم از آنها استفاده نظامی کند؛ اما پس از آن بود که طیف وسیعی از مزایای اجتماعی و سیاسی برای حضور دولت در ورزش ارائه شد. ترویج فعالیت‌های فیزیکی به دلیل مزایای آن برای سلامت افراد، منطقی برای دفاع از دخالت دولت در ورزش فراهم می‌کند. یکی دیگر از دلایلی که باعث می‌شود حضور دولت در ورزش توجیه شود، آثار اقتصادی است که یک رویداد ورزشی می‌تواند ایجاد کند.

۱-۲- دلایل اقتصادی برای حضور دولت در ورزش

اصل اقتصاد رفاه، دلیلی است برای اینکه دولت در ورزش دخالت کند. بازار آزاد یا بخش خصوصی در خیلی از موارد موفق عمل می‌کند اما در تأثیر کامل آن بر رفاه جامعه شکست خورده است. چند دلیل برای شکست بازار مربوط به حوزه ورزش وجود دارد. در واقع شکست بازار در حوزه ورزش توجیهی است برای دخالت دولت در ورزش تا از ضررهای بالقوه شکست بازار جلوگیری کند. در مقوله شکست بازار در ورزش دو موضوع مطرح می‌باشد: بهره‌وری و عدالت. ورزش اثرات اجتماعی بیشتری نسبت به اثرات فردی ایجاد می‌کند لذا بازار ممکن است برای مشارکت‌کننده در ورزش کارا باشد اما برای اجتماع نیست. بازار آزاد، ارزش مشارکت افراد و هزینه آن را محاسبه می‌کند اما در محاسبه ارزش افزوده اجتماعی آن ناتوان است. بنابراین خروجی مناسب اجتماعی به‌وسیله بازار تولید نخواهد شد.

یک فرد به‌واسطه رفتار مربوط به مصرف خود، سطح بهینه تولید اجتماعی را افزایش نخواهد داد؛ یعنی سطحی که تولید می‌کند نه تنها برای خودش کافی نیست بلکه برای سود بهینه اجتماعی نیز کافی نخواهد بود. همچنین مصرف‌کننده سواری مجانی انجام می‌دهد و در واقع از

فواید و امکانات موجود جامعه نیز استفاده می‌کند. یکی از روش‌هایی که سطح بهینه اجتماعی مصرف را بهبود می‌بخشد، کاهش قیمت است اما بخش خصوصی، برای ایجاد رفاه عمومی، بدان مبادرت نمی‌ورزد. دولت مسئولیت رفاه عمومی را به عهده گرفته و این دلیلی است تا تولید و مصرف بیشتر در ورزش را تقویت کند. این کار از طریق توزیع یارانه به مصرف‌کننده و تولیدکننده بخش ورزش اعمال می‌گردد که کاهش قیمت خدمات تولیدی و مصرفی ورزشی یکی از آنهاست.

در مورد عدالت، توزیع منابع و مصارف توسط بازار یا بخش خصوصی ممکن است مطابق اهدافی نباشد که دولت در مورد عدالت در نظر دارد و بازار در این مورد بی‌عدالت است و لذا دولت به این دلیل در ورزش حضور پیدا کرده و پیگیر اعطای یارانه به مصرف‌کننده و یا تولیدکننده ورزش می‌باشد تا بتواند به عدالت بیشتری در مورد توزیع منابع و فرصت‌های ورزشی دست یابد. موارد شکست بازار و لزوم دخالت دولت در ورزش عبارتند از: ایجاد سلامتی در جامعه، کاهش جرم، ورود در تنظیم بازار کالاهای عمومی و رعایت عدالت (Gratton & Taylor, 2001).

هر کدام از این موارد به‌طور مختصر توضیح داده می‌شود و دلایل شکست بازار در این موارد و لزوم دخالت دولت توضیح داده می‌شود.

ایجاد سلامتی در جامعه: رابطه بین مشارکت در ورزش و سلامتی جامعه، یکی از دلایل اصلی برای افزایش سهم دولت در ورزش می‌باشد که باعث می‌شود سلامتی فکری و جسمی در جامعه ایجاد شود. مشارکت در ورزش از وقوع بسیاری از بیماری‌ها از جمله مشکلات قلبی، ایجاد فشار خون، چاقی، دیابت، اضطراب، افسردگی و آسم جلوگیری می‌کند. مطالعات مختلفی در مورد مشارکت در ورزش و سلامتی انجام شده که نشان دهنده این است که مشارکت در ورزش سلامتی ایجاد می‌کند و کسی که ورزش نمی‌کند، از کیفیت زندگی مناسبی برخوردار نیست و مشارکت‌کننده در ورزش زندگی باکیفیتی دارد و چون بخش خصوصی در این حوزه وارد نمی‌شود، حضور دولت اجتناب‌ناپذیر است. نتیجه‌گیری می‌شود که مشارکت‌کنندگان در ورزش در بسیاری از کارهای غیر ورزشی نیز مشارکت و موفقیت بالایی دارند و این همان سود سرمایه‌گذاری است.

ورزش و کاهش جرم: مشارکت در ورزش، زندگی بسیاری از کسانی را که در صورت عدم شرکت در ورزش بالقوه به سمت بزهکاری و جرم می‌روند، بهبود می‌دهد. یکی از گروه‌های هدف که اغلب به‌وسیله هدایت‌کنندگان ورزشی انتخاب می‌شوند، جوانان هستند؛ بخصوص مردان جوان. ایجاد فرصت‌های ورزشی، باعث خواهد شد که چنین گروه‌هایی به سمت خلاف و جرم و بزه حرکت نکنند. اگر انرژی و تلاش این افراد به سمت فراغت سودمندی مثل ورزش سوق داده شود، بزهکاری را کاهش داده و نه تنها باعث سودمندی این افراد می‌گردد بلکه جامعه نیز نفع می‌برد. در واقع این سود، هم برای خود فرد و هم، برای افراد قربانی جرم و هم، در جهت آسایش جامعه ایجاد می‌گردد.

در این شرایط حضور دولت برای دادن یارانه و عرضه کردن ورزش قابل توجیه می‌باشد. برای توجیه تخصیص یارانه به بخش ورزش، لازم است ارزش سود چنین برنامه‌هایی در مقایسه با آن تخمین زده شود و در واقع تحلیل هزینه فایده صورت گیرد. اما آنچه که مسلم به نظر می‌رسد این است که دولت برای جلوگیری از چنین ریسک‌هایی باید یارانه ورزش پرداخت کند زیرا یکی از وظایف دولت ایجاد امنیت در جامعه می‌باشد و برای ایجاد امنیت، پیشگیری بهتر از درمان است.

ورزش به عنوان کالای عمومی: بسیاری از ورزش‌ها به عنوان کالای عمومی مطرح می‌باشد. مهم‌ترین مشخصه این کالاها عدم تفکیک پذیری و عدم امکان مستثنی کردن مصرف می‌باشد. عدم تفکیک پذیری بدین معناست که مصرف یک شخص از مصرف شخص دیگر در همان زمان و از همان محصول جلوگیری نمی‌کند. عدم قابلیت مستثنا کردن نیز بدین معناست که نمی‌توان از لذت بردن هیچ مصرف‌کننده‌ای جلوگیری کرد. تحت این شرایط، تهیه کالا توسط بخش خصوصی قابل توجیه نیست و لذا کالای عمومی توسط بخش خصوصی ارائه نخواهد شد. به عنوان مثال موفقیت‌های ورزشی چه در سطح ملی و چه محلی، یک کالای عمومی است که نه تنها روحیه جامعه را بالا می‌برد بلکه جوانان را به مشارکت فعال در ورزش تشویق می‌کند. به دلیل فواید حاصل از این موفقیت‌های ورزشی (افزایش روحیه و...) نمی‌توان از احساس شادی کردن هیچکس جلوگیری کرد و قابل مستثنا کردن نیست. به دلیل اینکه هیچ تداخل و ازدحامی برای لذت بردن از این موضوع قابل تصور نیست لذا رقابتی نیز وجود ندارد. بازار آزاد چنین کالاهایی را خیلی کم تولید می‌کند؛ زیرا مصرف‌کنندگان همیشه سواری مجانی را دوست دارند؛ پس لازم است دولت در این حوزه سرمایه‌گذاری کند. ورزش به عنوان کالای عمومی در ایجاد خرسندی^۱ اثرات مختلفی دارد:

- موفقیت ورزشی غرور ملی را افزایش داده و باعث شادی در جامعه می‌شود.
- ایجاد شهرت جهانی برای یک کشور بسیار مهم است. اگر تیم یک کشور موفق شود، تصویر خوبی از آن کشور شکل می‌گیرد و به‌طور مستقیم و غیر مستقیم باعث می‌شود که تولید و خدمات یک کشور به خارج صادر شود و ارز آوری خوبی داشته باشد.
- موفقیت در ورزش مثل جام جهانی یا المپیک باعث می‌شود که مشارکت در ورزش و فراغت افزایش یابد و قهرمانان مرد و زن با دیدن این موفقیت‌ها به سمت ورزش حرکت کرده و باعث توسعه می‌شود.

فهرست کردن منافع حاصل از موفقیت‌های ورزشی آسان، اما اندازه‌گیری آن برای ارزیابی بسیار مشکل است. با این حال، می‌توان گفت که اثرات کالای عمومی موفقیت در ورزش، معنی‌دار است. بر اساس بحث کالای عمومی، انتظار این است که دولت در امور مربوط به ورزش و موفقیت‌های

ورزشی حضور داشته باشد و از ورزش و ورزشکاران حمایت کند و در این زمینه سرمایه‌گذاری‌های مختلفی داشته باشد.

عدالت در ورزش: یکی از دلایلی که دولت در ورزش دخالت می‌کند، این است که بخش خصوصی یا بازار آزاد در تخصیص منابع، عدالت را رعایت نمی‌کنند و طبیعت جمعی فواید مصرفی ورزش را در نظر نمی‌گیرند. تمام بحث‌های بهره‌وری در اینجا بدان معناست که چگونه با تغییر در تخصیص منابع، رفاه اجتماعی افزایش یابد. عدالت به کل رفاه اجتماعی مربوط نیست اما در اینکه چگونه این رفاه اجتماعی بین جامعه توزیع شود، بحث عدالت مطرح می‌گردد. بحث عدالت برای دخالت دولت در بازار ورزش، برای این است که فواید حاصل از مشارکت در ورزش به‌طور یکسان توزیع شود. بارزترین هدف عدالت در ورزش شعار "ورزش برای همه" می‌باشد و لذا این شعار توجیهی برای دادن یارانه و دخالت دولت در بحث ورزش می‌باشد.

۲-۲ - آثار اقتصادی وقایع ورزشی (مثل جام جهانی یا المپیک)

این ادعا مطرح شده است که انجام سرمایه‌گذاری‌های عمومی و دولتی برای برگزاری وقایع ورزشی بزرگ در چارچوب تز کینزی تزریق پول توسط دولت به اقتصاد و ضریب تکاثری آن، مزایای اقتصادی خالصی برای اقتصاد و جامعه به همراه دارد. معمولاً در این خصوص چهار متغیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) اشتغال و دستمزدها: این ادعا همواره مطرح بوده که پروژه‌های کلان ورزشی منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی می‌شوند. فرصت‌های شغلی کوتاه‌مدت در بخش ساخت‌وساز استادیوم‌های ورزشی و فرصت‌های شغلی بلندمدت در کسب‌وکارهای جانبی مانند صنعت توریسم و رستوران‌داری. مطالعات زیادی به این موضوع اشاره کرده‌اند.

ب) استادیوم‌های ورزشی و میراث آنها: حق میزبانی یک رویداد ورزشی مهم (مثل جام جهانی) معمولاً در رقابت با سایر شهرها یا کشورها به‌دست می‌آید.

ج) توریسم: از طریق بازاریابی و فعالیت رسانه‌ها، شهر یا کشور میزبان مسابقات ورزشی (مثل جام جهانی فوتبال) قادر به جذب توریست‌ها هنگام برگزاری مسابقات و بعد از آن خواهد بود. معمولاً توریست‌ها در محل، منطقه یا کشور میزبان پول خرج می‌کنند که می‌تواند موجب رونق آن اقتصاد شود.

د) سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و بازسازی و نوسازی شهری: رویدادهای ورزشی مهم موجب حرکت تعداد زیادی از ورزش‌دوستان به آن شهر یا کشور می‌شود و لذا تقاضا برای

زیرساخت‌های شهری که دولت، بانی تأسیس یا بهبود آنها است، افزایش می‌یابد. سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با این شرایط عبارتند از: هتل‌ها، حمل‌ونقل کارا و مخابرات و غیره.

۳-۲- تبیین رابطه بین ورزش و رشد اقتصادی با استفاده از مدل رشد و مبانی ریاضی آن

در مدل رشد اقتصادی، اقتصادی فرض می‌شود که در آن، خانوار تنها عامل تولید کالاها و نیز عرضه‌کننده عامل تولید است. و هر خانوار دوره زمانی t را صرف تحقق سه هدف می‌کند: انباشت سرمایه (l_h) ، تولید کالا (l_y) و ورزش و فراغت (l_s) .

$$1 = l_h + l_y + l_s \quad (1)$$

که در آن l_h زمان سپری شده برای انباشت سرمایه انسانی، l_y زمان صرف شده برای تولید و l_s نیز زمان صرف شده برای ورزش و فراغت می‌باشد. با توجه به اینکه ورزش نقش اساسی در بهبود سرمایه انسانی دارد لذا فرض می‌شود که سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد، لذا داریم:

$$h' = (1 + l_s)h \quad (2)$$

از این رو سرمایه انسانی می‌تواند بر اساس رابطه تجمعی و انباشته شده تعریف گردد:

$$\dot{h} = \phi h (1 - l_y + l_s) \quad (3)$$

که در آن ϕ عامل کارایی (تحصیلات - دانش) و \dot{h} مشتق زمانی h $(\frac{\partial h}{\partial t})$ می‌باشد.

تابع تولید به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$Y = AK^\beta [l_y (1 + l_s)hL]^{1-\beta} \quad (4)$$

که بر اساس سرانه نیروی کار به صورت زیر در می‌آید:

$$y = Ak^\beta [l_y (1 + l_s)h]^{1-\beta} \quad (5)$$

که y تولید سرانه، k سرمایه سرانه و A عامل بهره‌وری می‌باشد.

انباشت سرمایه به صورت $\dot{k} = s$ تعریف می‌شود که در آن، $\dot{k} = s$ و s پس‌انداز سرانه

می‌باشد.

محدودیت بودجه دولتی نیز بر حسب سرانه به صورت زیر است:

$$g = \tau y \quad (6)$$

که g سرانه هزینه‌های دولت و τ مالیات درآمدی با نرخ ثابت است.

حال در نظر بگیرید که تابع مولد ورزش به صورت زیر تعریف شود:

$$\psi = (1 - \frac{1}{e^{l_s}})(1 - \tau)y \quad (7)$$

که در آن، رابطه بین ورزش و مولد ورزش به صورت صعودی کاهنده می باشد. همان طور که ملاحظه می شود، اگر ورزش صورت نگیرد ($l_s = 0$)، آنگاه تابع مولد ورزش برابر با صفر خواهد بود. باید تابع مصرف را با توجه به قیود مشخص، ماکزیمم کنیم:

$$U = \int_0^{\infty} \left(\frac{c^{1-\sigma} - 1}{1-\sigma} \right) e^{-\rho t} dt$$

s.t: $\dot{h} = \phi h(1 - L_y + L_s)$ (۸)

$$1 = l_h + l_y + l_s$$

$$\dot{k} = s$$

تابع همیلتون را تشکیل داده و آن را حل می کنیم:

$$H = \left(\frac{c^{1-\sigma}}{1-\sigma} \right) e^{-\rho t} + \theta \left\{ e^{-l_s} (1-\tau) A k^\beta [l_y (1+l_s) h]^{1-\beta} - c \right\} + \lambda \{ \phi h(1 - l_y + l_s) \} \quad (9)$$

با حل تابع همیلتون و با ساده سازی روابط، به نتیجه زیر می رسیم:

$$-\rho - \sigma \frac{\dot{c}}{c} - \phi(1 + l_s) = -\beta \frac{\dot{k}}{k} + \beta \frac{\dot{h}}{h} \quad (10)$$

با توجه به این فرض که $\gamma_c = \frac{\dot{c}}{c}$ و $\gamma_k = \frac{\dot{k}}{k}$ و $\gamma_h = \frac{\dot{h}}{h}$ در وضعیت ایستا (steady-state) هستند، داریم:

$$\gamma = \gamma_h = \gamma_k = \gamma_c$$

لذا معادله (۱۰) به صورت زیر جمع بندی می شود:

$$\gamma = \frac{1}{\sigma} \{ \phi(1 + l_s) - \rho \} \quad (11)$$

با توجه به معادله (۱۱) رشد اقتصادی با وجود ورزش به صورت زیر تعیین می گردد:

$$\gamma_s = \frac{1}{\sigma} \{ \phi(1 + l_s) - \rho \} \quad (12)$$

و بدون ورزش به صورت زیر تعیین می گردد:

$$\gamma_{ns} = \frac{1}{\sigma} \{ \phi - \rho \} \quad (13)$$

$$\gamma_s - \gamma_{ns} = \frac{1}{\sigma} \{ \phi(1 + l_s) - \rho \} - \frac{1}{\sigma} \{ \phi - \rho \} = \frac{\phi l_s}{\sigma} \quad (14)$$

با توجه به معادله (۱۴) و اینکه $\phi > 0, l_s > 0, \sigma > 0$ رابطه بین ورزش و رشد اقتصادی مثبت می باشد.

۳- مطالعات انجام شده

در حوزه اقتصاد ورزش در جهان مطالعات زیادی صورت گرفته است اما در بحث ورزش و رشد اقتصادی، تحقیقات چندانی وجود ندارد. آنچه که مسلم است این است که در این حوزه، مطالعات زیادی در داخل کشور انجام نشده است.

عسکریان (۱۳۸۳) در رساله دکتری خود با عنوان "بررسی وضعیت اقتصادی صنعت ورزش ایران در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ با تکیه بر تخمین GDSP"، صنعت ورزش را در کشور ایران برای سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ مورد بررسی قرار داده و تولید ناخالص داخلی ورزش (GDSP) را برای سالهای مذکور به دست آورده است. در واقع در این رساله، از روش مصرف، برای تخمین GDSP استفاده شده است و سهم ورزش از GDP، ۰.۳۹ درصد برآورد شده است که در مقایسه با کشورهای دیگر جهان، خیلی پایین می باشد.

مولین^۱ (۱۹۸۳) برای اولین بار از ورزش به عنوان یک صنعت یاد کرد. او اشاره می کند هرگونه فعالیت ورزشی حرفه ای و غیر حرفه ای که موجبات افزایش ارزش افزوده کالاها و خدمات ورزشی را فراهم آورد، صنعت ورزش محسوب می شود (Chang-Kyun, 1997).

پیتز، فیلدینگ و مایلر^۲ (۱۹۹۴) در تأیید تعریف مولین همه محصولات، کالاها، خدمات، اماکن و افراد مرتبط با ورزش را اجزای صنعت ورزش معرفی می کنند (Pitts et al., 1994).

در جای دیگر پیتز و استاتلر^۳ (۱۹۹۶) در رابطه با تعریف صنعت ورزش بر بازارهای مرتبط با ورزش، آمادگی و تفریحات سالم تأکید دارند. در کل، صنعت ورزش به مجموعه فعالیت های مرتبط با تولید و بازاریابی کالاها و خدمات ورزشی گفته می شود که در ارتقاء ارزش افزوده نقش داشته باشند (Chang-Kyun, 1997).

در چند دهه گذشته، صنعت ورزش در تمام دنیا از رشد چشمگیری برخوردار بوده که از جمله می توان به رشد تولید پوشاک و تجهیزات، ایجاد و ساخت اماکن و تسهیلات ورزشی، توسعه شبکه های سازمانی، بالا رفتن سطح رقابت های مختلف حرفه ای و افزایش تعداد شرکت کنندگان اشاره داشت (Parks et al., 1998).

جذابیت های پیدا و پنهان ناشی از این تحول موجب برانگیختن احساسات و به وجود آمدن گرایش های خاصی در بین تمامی مجامع نسبت به رویدادهای ورزشی گردیده و رشته ها و تیم های ورزشی نیز برای توسعه و گسترش و بالا بردن کیفیت خود و به دست آوردن مقام های قهرمانی،

1. Mullin

2. Pitts, Fielding, Miller

3. Pitts, Stotlar

نیازمند به توسعه بنگاه‌های اقتصادی شده‌اند. زیر ساخت اصلی صنعت ورزش را باشگاه‌ها تشکیل می‌دهند که به مثابه کارخانه‌های تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی عمل می‌کنند. آنها به بهره‌گیری از تجهیزات و امکانات، نیروی انسانی ماهر و متخصص و دانش فنی و فناوری روز، از ورزش و سرگرمی، صنعتی پول ساز ساخته‌اند.

در ادامه سیاست‌های توسعه ورزشی به عنوان یک عامل مهم مؤثر اقتصادی، دولت‌ها به انجام مطالعات علمی در این زمینه تحریک شدند (Meek, 1997). در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۴ هاو جونز^۱ و ولادیمیر آندرف و همکارانش^۲ با حمایت کمیته تحقیقاتی اروپا، مطالعات وسیعی در زمینه اثرات اقتصادی ورزش در سطح اروپا انجام دادند. در تحقیقات جونز، میزان مصرف، تولید، اشتغال و مشارکت داوطلبان در بخش ورزش، به عنوان شاخص، مورد ارزیابی قرار گرفت. با توجه به کاهش سهم منابع عمومی در ورزش اروپا در دهه ۱۹۸۰ میلادی اعتقاد او بر این بود که مطالعات اقتصادی ورزش به عنوان عاملی جهت افزایش سهم بودجه عمومی و رساندن صدای ورزش به گوش عموم به شمار می‌رود (Jones, 1989).

در تحقیق آندرف، وضعیت اقتصادی ۱۲ کشور اروپایی از جمله آلمان، سوئیس، بلژیک، انگلستان، دانمارک، فنلاند، فرانسه، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، سوئد و مجارستان با یکدیگر مقایسه گردید. بر اساس نظر وی، هرگونه تجزیه و تحلیل اقتصادی ورزش می‌تواند مدرکی مبنی بر میزان توسعه اقتصادی، تعیین سطح عملکرد و توسعه ورزش آن کشور و میزان تسهیلات و مسائل مالی مرتبط با ورزش باشد.

آندرف (۲۰۰۰)، در مقاله‌ای دیگری تحت عنوان "ورزش و توسعه اقتصادی"، رابطه بین این دو متغیر را با توجه به اطلاعات موجود، برای کشورهای درحال توسعه مورد بررسی قرار داده که در ابتدا ارتباط بین ورزش و توسعه نیافتگی اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله اشاره به این دارد که در کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه، ورزش نه تنها یکی از اولویت‌های بودجه این کشورها نیست بلکه دارای سیستم آموزشی نامناسب در این زمینه می‌باشند. بسیاری از کشورهای جهان سوم در فعالیت‌های ورزشی خود وابسته به کمک‌های خارجی بوده و از کشورهای پیشرفته تجهیزات و کالاهای ورزشی وارد می‌کنند. علاوه بر این، یکی از مشکلات اساسی در این کشورها از نظر آندرف، نبود داده‌های ورزشی می‌باشد. هر چقدر سطح توسعه یافتگی اقتصاد کمتر باشد دسترسی به داده هم کمتر است. وی توضیح می‌دهد که این کشورها اغلب آموزش تربیت بدنی در دوره ابتدایی نداشته یا یک تا دو ساعت در هفته دارند و در دوره دبیرستان بین دو تا چهار

-
1. Huw Junes
 2. Wladimir Andreff et al.

ساعت در هفته به آموزش تربیت بدنی می‌پردازند و مشکلی که در بعضی مواقع وجود دارد، این است که حتی این مقدار ساعت نیز به دلیل کمبود معلم و کمبود امکانات و تجهیزات ورزشی به طور کامل اجرا نمی‌شود (Wladimir Andreff et al 2000).

در سال ۱۹۹۵ ولفگانگ وبر^۱ اثرات اقتصادی ورزش آلمان را ارزیابی کرد و برای اولین بار هزینه ورزش خانوار این کشور را اعلام نمود (Viseu, 2000).

کزن (۱۹۹۷) مطالعه اثرات اقتصادی ورزش را به دو روش تقسیم نمود. اولین روش به بررسی و چگونگی اهمیت بخش ورزش به عنوان یک بخش اقتصادی در کل اقتصاد کشور یا منطقه می‌پردازد و بنابراین بر مفاهیمی چون هزینه، تولید، درآمد، اشتغال و درآمدهای مالیاتی تکیه دارد و در روش دوم که نوعی ارزیابی اجتماعی - اقتصادی است، بر اساس میزان سود و هزینه پروژه‌های سرمایه‌ای عمومی استوار است. وی همچنین در تحقیقات خود در سال ۱۹۹۹ به مطالعات اقتصادی ورزشی به عنوان تصویر ایستایی^۲ از نقش ورزش در اقتصاد کشورها اشاره می‌کند (Kesenne, 1997 & 1999).

در سال ۱۹۹۹ مییر و دستیارش آلمرت^۳ نیز مطالعه‌ای تحت عنوان پیش‌بینی اثرات اقتصادی رویدادها و هزینه‌های ورزشی آلمان انجام داده‌اند (Viseu, 2000).

در پی آشکار شدن اهمیت ورزش، کشورهای مختلف بر آن شدند تا اثرات اقتصادی ورزش را از ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار دهند که از این میان می‌توان به کشورهای فرانسه، استرالیا، کانادا، نیوزلند، آمریکا، هنگ کنگ اشاره نمود که بررسی‌های جامعی را در این زمینه انجام دادند.

چان و همکاران^۴ صنعت ورزش را مجموعه‌ای از زیرساخت‌های ارتباطی اولیه و ثانویه معرفی می‌کنند که زیر ساخت اولیه آن را مدیران ورزشی و ورزشکاران و زیرساخت ثانویه آن را تولیدکنندگان تجهیزات، ناشران و رسانه‌های ورزشی تشکیل می‌دهند.

پیتز، فیلدینگ و مایلر (Pitts. B.G. & Fielding. L.W. & Miller.L.K. 1994) نیز اجزای صنعت ورزش را بر اساس انواع محصولات و مشتریان به سه بخش عملکرد، تولیدات و توسعه ورزشی تقسیم نموده‌اند: عملکرد ورزشی در بر گیرنده امور مربوط به شرکت کنندگان و تماشاگران ورزشی است. بخش تولیدات ورزشی، کلیه کالاها و خدمات مورد نیاز جهت ایجاد و یا تسهیل بخش عملکرد ورزشی را فراهم می‌کند. بخش توسعه ورزشی، به کالاها و خدماتی که به پیشبرد تولیدات و عملکرد ورزشی یاری می‌رسانند، اطلاق می‌شود.

1. Wolfgang Weber
2. Static Picture
3. Meyer & Ahlmert
4. Chan, D. et al.

دایر، ملور، میستیلیس و مولز (Dwyer, L., Mellor, R., Mistilis, N., Mules, T. 2000) مهمترین نقش رویدادهای ورزشی را جذب گردشگر و پوشش رسانه‌ای معرفی می‌کنند ولی علاوه بر آن، به نقل و انتقالات بازیکنان، صدور مربی، فروش بلیط و تبلیغات، ایجاد امکانات و تأسیسات ورزشی، شرط بندی‌ها و جذب حامیان مالی که از جمله دیگر دستاوردهای رویدادهای ورزشی به عنوان اصلی‌ترین محصول این صنعت است، نیز می‌توان اشاره کرد. به عنوان مثال، مسابقات بزرگی مانند المپیک تابستانی و زمستانی یک پدیده جهانی است که میلیاردها دلار ارزش دارد و وسیله‌ای برای تولد تازه یک شهر و یا کشور می‌باشد (Dwyer & et al, 2000).

لیوکیان هونگ (Huang, Liuqian 2011) در مقاله خود، به مطالعه در مورد اثرات المپیک پکن به رشد و توسعه اقتصادی چین پرداخته و ابتدا به مباحث نظری در مورد المپیک و نقش آن در توسعه کشور میزبان پرداخته و سپس چند دوره از المپیک و رشد اقتصادی کشورهای میزبان را مورد بررسی قرار داده و سپس به نقش این رویداد مهم و جهانی (المپیک ۲۰۰۸ چین) بر اقتصاد چین اشاره کرده است. از المپیک ۱۹۶۴ توکیو تا المپیک ۲۰۰۸ پکن (۱۲ دوره)، در ۷ دوره، رشد اقتصادی نسبت به سال گذشته رویداد، افزایش، و در بقیه موارد کاهش یافته است (جدول زیر)

جدول ۲. نرخ رشد GDP کشورهای مختلف میزبان المپیک

دوره	کشور میزبان	شهر میزبان	سال	نرخ رشد یک سال قبل از رویداد	نرخ رشد سال جاری رویداد	نرخ رشد بعد از سال رویداد
۱۸	ژاپن	توکیو	۱۹۶۴	۸,۸	۱۱,۲	۵,۷
۱۹	مکزیک	مکزیکوسیتی	۱۹۶۸	۵,۹	۹,۴	۳,۴
۲۰	آلمان	مونخ	۱۹۷۲	۳	۴,۳	۴,۸
۲۱	کانادا	مونترال	۱۹۷۶	۱,۸	۵,۲	۳,۴
۲۲	شوروی	مسکو	۱۹۸۰	۱,۷	۴,۳	۲
۲۳	آمریکا	لوس آنجلس	۱۹۸۴	۴,۵	۷,۲	۴,۱
۲۴	کره جنوبی	سئول	۱۹۸۸	۱۱,۱	۱۰,۶	۶,۷
۲۵	اسپانیا	بارسلونا	۱۹۹۲	۲,۵	۰,۹	-۱
۲۶	آمریکا	آتلانتا	۱۹۹۶	۲,۵	۳,۷	۴,۵
۲۷	استرالیا	سیدنی	۲۰۰۰	۳,۸	۲,۱	۳,۹
۲۸	یونان	آتن	۲۰۰۴	۴,۸	۴,۷	۳,۷
۲۹	چین	پکن	۲۰۰۸	۱۱,۳	۹	۸,۷

مأخذ: هوانگ، ۲۰۱۱

مهمترین بخشهایی که المپیک ۲۰۰۸ بر اقتصاد چین اثر گذاشته عبارتند از: صنعت کالاهای ورزشی، صنعت توریسم ورزشی، صنعت ورزش فراغتی و استانداردهای مصرف ورزشی و غیره. جورجیوس کاوتسوس و استفان زمانسکی (Kavetsos, G., Szymanski.S. 2010) در مقاله خود تحت عنوان "احساس خوب داشتن و رویدادهای ورزشی بین‌المللی"، به این موضوع پرداخته است که سرمایه‌گذاری در ورزش و رویدادهای ورزشی علاوه بر اینکه بر رشد اقتصادی اثر دارد، دارای اثرات دیگری نیز هست. کاوتسوس و همکار، عنوان این اثر را "احساس خوب داشتن" نامیده‌اند. با استفاده از اطلاعات آماری ۱۲ کشور اروپایی، اثر میزبانی یک رویداد ورزشی و موفقیت ورزشی را بر خرسندی سنجیده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که رویداد ورزشی مثل فوتبال و موفقیت‌های ورزشی ورزشکاران این کشورها، اثر مثبت و معنی‌داری بر خرسندی به عنوان یک شاخص توسعه داشته است.

جیمز اسکینر و همکارش (Skinner.j. & Zakus.D.h, 2008) مقاله‌ای تحت عنوان "توسعه از طریق ورزش: ایجاد سرمایه اجتماعی در جوامع محروم" به تحریر در آورده‌اند. در این مقاله اشاره شده است که مسائل مربوط به توسعه گسترده می‌باشد اما آنچه اینجا بحث می‌شود، توسعه از طریق ورزش در کشورهای کمتر توسعه یافته می‌باشد. در این بررسی، مدل‌هایی که ورزش باعث افزایش کیفیت زندگی و اجتماع‌اند، آورده شده است و تمام مسائل مربوط به دولت رفاه بحث شده است. این مدل‌ها دولت‌های نئولیبرال را هدایت کرده به سمت کمک به پرورش شمول اجتماعی و ایجاد سرمایه اجتماعی مثبت در جوامع محروم و کم درآمد. مثال‌هایی از انگلستان، اسکاتلند، ایسلند شمالی و کانادا بحث، و در مورد استرالیا نیز مواردی ارائه شده است. بحث این مقاله بر عوامل موفقیت ورزشی مانند سیاست، استراتژی، مشارکت کنندگان در ورزش، مکان و فضا، توسعه اجتماعی یا جامعه، ارزیابی، نظارت و ثبات متمرکز شده، بر نقش باشگاه‌های ورزشی سنتی و دولت-های محلی و سرمایه‌گذاری دولت‌ها در این حوزه‌ها برای ایجاد توسعه اجتماعی و شرایط خوب بر جامعه بر پایه فعالیت‌های ورزشی تأکید، و همچنین بحثهایی در مورد توسعه اجتماعی، توسعه ورزشی جامعه و سیاستگذاری در ورزش آورده شده است. مقاله نتیجه گرفته که ورزش ابزار مفیدی برای ایجاد سرمایه اجتماعی، پرورش توسعه جامعه و ایجاد ثبات در جامعه می‌باشد. در واقع بسیاری از نتایج مثبت در حوزه سرمایه اجتماعی به وسیله ورزش ایجاد می‌گردد.

مطالعه‌ای توسط کواتس و هامفریز (Coates Dennis, Brad R. Humphreys. 2003) تحت عنوان "اثر ورزش حرفه‌ای بر درآمد و اشتغال در بخش‌های خرده فروشی و خدمات در شهرهای آمریکا" نوشته شده است. این مقاله اثر تیمهای ورزشی و استادبوم‌ها را برای ایجاد درآمد و اشتغال

1. Feelgood

در چند بخش (خرده فروشی و خدمات) سه ورزش حرفه‌ای آمریکا را (فوتبال، بسکتبال و بیس‌بال) مورد بررسی قرار داده است. وی بیان می‌کند که پروژه‌های ساخت ورزشگاه‌ها و سالن‌های ورزش-های حرفه‌ای از دولت یارانه دریافت می‌کنند و افزایش بالقوه‌ای در اشتغال و درآمد جهت توجیه این یارانه‌ها در نظر می‌گیرند و در واقع، سود اقتصادی برای ساخت این ورزشگاه‌ها و سالن‌ها محاسبه می‌کنند.

برای مثال موافقین ساخت این ورزشگاه‌ها بیان می‌کنند که خرج کردن پول توسط مردم برای رستوران، نوشیدنی، هتل، مسافرخانه و ... اثرات اقتصادی این کار می‌باشد. اما مخالفین ساخت ورزشگاه و سالن ورزشی با استفاده از یارانه دولتی بیان می‌کنند که مصرف و ایجاد درآمد این ورزش‌ها خیلی محدود است. اگر پولی توسط دولت برای چنین ورزش‌هایی تخصیص می‌یابد، در واقع جایگزین دیگر تفریحات، کالاها و خدمات می‌شود.

کواتس و همکار نتیجه می‌گیرند که ورزش حرفه‌ای درآمد محلی را کاهش می‌دهد و دلیل آن هم این است که مخارج بر روی چنین ورزش‌هایی جایگزین سایر سرگرمی‌ها، کالاها و خدمات می‌شود. مدلاین مقاله، پانل دیتای پویا برای سالهای ۱۹۶۹-۱۹۹۷ می‌باشد:

$$Y_{jit} = \beta_j X_{it} + \gamma_j Z_{it} + \mu_{jit}$$

که در آن، Y_{jit} نشان دهنده متغیرهای وابسته در شهرهای مختلف در سالهای مختلف می‌باشد که این متغیرها عبارتند از: دستمزد در بخش خدمات، خرده فروشی، هتل، سرگرمی و نوشیدنی و اشتغال در بخش خدمات و خرده فروشی.

X_{it} نشان دهنده شرایط عمومی اقتصادی است.

Z_{it} نشان دهنده شرایط ورزش حرفه‌ای در شهرهای مختلف می‌باشد.

کواتس نتیجه می‌گیرد که ورزش حرفه‌ای اثر مثبت کمی بر روی درآمد در بخش سرگرمی و تفریحات دارد و این اثر مثبت با کاهش درآمد و اشتغال در بخشهای دیگر اقتصاد جبران می‌شود. چپلت^۱ (۲۰۰۵) در مقاله خود تحت عنوان "ورزش و توسعه اقتصادی" بیان می‌کند که در گذشته‌های دور، ورزش به عنوان یک فعالیت اوقات فراغت توسط تعداد زیادی از مردم عادی انجام می‌شد. در قرن بیستم نیز ورزش به یک پدیده اجتماعی برای توده مردم مبدل شده و در کشورهای صنعتی، ورزش به عنوان یکی از شاخه‌های اقتصادی مطرح شده که ۲ درصد تولید ناخالص داخلی را خود به تنهایی عهده دار است. چالش امروز، این است که ورزش را به عنوان یک فاکتور اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مطرح کنیم. مثلاً برای برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال در

آفریقای جنوبی، میلیون ها دلار هزینه می‌گردد؛ اما درآمد سرشاری که به انحاء مختلف به دست می‌آید، قابل قیاس با هزینه ها نیست؛ مثل درآمد سرشاری که از طریق رسانه و پخش تلویزیونی به دست می‌آید یا تورسم کشور که به صورت فعالی راه اندازی می‌شود- چه در مسابقات و چه بعد از آن- و مواردی از این قبیل. خلاصه اینکه در دراز مدت، اثرات اقتصادی مثبتی بر روی این کشور خواهد گذاشت.

ساندرسن و همکاران (Sanderson K, et al 2000) در تحقیق خود با عنوان "اثرات اقتصادی ورزش" به تخمین و ارزیابی اثرات اقتصادی ورزش در هنگ کنگ پرداخته است. آنها اظهار داشتند که ورزش و فعالیت بدنی از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اهمیت بسیار زیادی دارد. همچنین ذکر شده که در کشورهایی که دارای میانگین درآمد بالاتری هستند، به علت رفاه بیشتر، گرایش مردم به ورزش و تفریحات سالم نیز بیشتر و در نتیجه هزینه های ورزشی خانوار هم بیشتر است. در این تحقیق سهم ورزش را از تولید ناخالص داخلی مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین اثرات اقتصادی مستقیم و غیر مستقیم ورزش توضیح داده شده است.

در این تحقیق، شش مورد مهم ذکر شده که به آن اشاره می‌شود:

- ۱- سهم ورزش را از تولید ناخالص داخلی مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین منظور ارقام هزینه و مصرف و ارقام صادرات و واردات را مورد بررسی قرار می‌دهد.
- ۲- اثرات کلی اقتصاد ورزش در هنگ کنگ را مورد بررسی قرار می‌دهد که شامل اثرات اقتصادی مستقیم، غیر مستقیم و تحریک شده ای است که تخمین زده می‌شود.
- ۳- اثرات اقتصادی مستقیم ورزش که ۲۱ میلیون دلار در هر سال که ۱/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۶۱ هزار شغل و یا نزدیک ۲ درصد اشتغال در هنگ کنگ را به خود اختصاص می‌دهد.
- ۴- توسط ورزش سهم زیادی از تولید ناخالص داخلی می‌تواند متعلق به ورزش باشد (به وسیله همان تجارت عاملی است که در پی خرید کالاهای ورزشی جهان مطرح می‌شود). این تجارت طراحی و مدیریت کیفیت تولیدات کالاهای ورزشی و تجهیزات را در سرزمین چین به عهده دارد.
- ۵- یکی دیگر از اثرات ورزش، شرکت مردم در ورزش است.
- ۶- اثرات غیر مستقیم ورزش شامل کاهش هزینه های مراقبت های سلامتی و افزایش بهره وری انسانی است.

مطالعه بعدی توسط رابرت باد^۱ انجام شده است. این مقاله با عنوان "استادیوم، ورزش حرفه‌ای و توسعه اقتصادی: ارزیابی واقعی" بیان می‌کند که ورزش حرفه‌ای در زندگی مردم آمریکا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و ورزش حرفه‌ای بر روی رشد اقتصادی شهرها و کشور اثر معنی‌داری دارد. با

این استدلال که استادیوم و تیمهای حرفه‌ای از فعالیتهای دارای درآمد^۱ هستند که اقتصاد را گسترش داده که باعث می‌شود سرمایه‌گذاری عمومی در سایر بخشهای اساسی صورت گیرد. هدف این مقاله استفاده از تئوری و تکنیکهای تجربی برای ارزیابی سهم ورزش حرفه‌ای در توسعه اقتصادی شهرها می‌باشد. در این مقاله، ابتدا مروری بر ادبیات اقتصادی بر روی ورزش حرفه‌ای و توسعه اقتصادی شهرها صورت گرفته و سپس در مورد راههایی که ورزش حرفه‌ای می‌تواند اثر اقتصادی بر توسعه شهرها داشته باشد، بحث می‌شود و سپس مدلی ارائه می‌شود تا رابطه بین ورزش و فعالیتهای اقتصادی آزموده شود. مدل شامل رشد درآمد سرانه ۳۶ شهر از آمریکا از سالهای ۱۹۵۸ الی ۱۹۸۷ و اطلاعات ۴ ورزش حرفه‌ای فوتبال، بسکتبال، بیس‌بال و هاکی می‌باشد.

$$\left(Y_{it} - \frac{\sum_{j=1}^k Y_{jt}}{k} \right) - \left(Y_{it-1} - \frac{\sum_{j=1}^k Y_{jt-1}}{k} \right) = \beta_0 + \beta_1 NT_{it} + \beta_2 NS_{it} + e_t$$

Y_{it} نشان دهنده درآمد سرانه در شهر i در زمان t می‌باشد.

K نشان دهنده تعداد شهرها می‌باشد.

NT_{it} تعداد لیگهای مهم و حرفه‌ای فوتبال، بسکتبال، بیس‌بال و هاکی می‌باشد.

NS_{it} تعداد ورزشگاهها و سالنهای ورزشی در ۱۰ سال اخیر در شهر i در زمان t می‌باشد. نتیجه‌گیری این است که تیمهای ورزشی حرفه‌ای اثر معنی‌داری بر روی اقتصاد شهرها ندارد.

۴- معرفی مدل و داده‌ها

مدل مورد استفاده در این مقاله، برگرفته از الگوی رینهارت و خان (۱۹۸۹) و الگوی بوپن (۲۰۰۶) می‌باشد. مدل مورد استفاده هر دو، برگرفته از تابع کاب-داگلاس می‌باشد که به صورت زیر مطرح می‌نمایند:

$$Q_t = A_t L_t^{\beta_1} K_t^{\beta_2} G_t^{\beta_2} U_t \quad (15)$$

که در آن Q تولید کل، A شاخص کل بهره‌وری، L نیروی کار شاغل در کل اقتصاد، K سرمایه ثابت ناخالص داخلی در کلیه بخشهای اقتصاد بجز بخش ورزش، G سرمایه کل (دولتی و خصوصی) در بخش ورزش و U جزء اخلاص می‌باشد.

با توجه به اینکه هدف این مقاله، بررسی اثر سرمایه‌گذاری دولت در بخش ورزش بر رشد اقتصادی می‌باشد، و با توجه به نظریه اصل شتاب انعطاف‌پذیر مبنی بر اینکه سرمایه‌گذاری رابطه مستقیم با موجودی سرمایه دارد، می‌توان در مدل بالا به جای موجودی سرمایه، از تغییرات سرمایه

(که برابر سرمایه گذاری می باشد) استفاده کرد و بنا به ماهیت تحقیق، می بایست متغیر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی (سرمایه گذاری) به بخش دولتی و خصوصی تفکیک شود. رینهارت و خان در مقاله خود برای بررسی اثر سرمایه گذاری دولتی و خصوصی بر رشد اقتصادی تفکیک زیر را در تابع تولید در نظر گرفتند:

$$I = I^P + I^G \quad (16)$$

که در معادله فوق متغیر I تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی کل، I^P تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش خصوصی و I^G تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش دولتی می باشد. حال در مطالعه حاضر برای بررسی اثر سرمایه گذاری دولت در بخش ورزش بر رشد اقتصادی متغیر I^G را به دو متغیر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در بخش ورزش و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص دولتی در سایر بخش ها (غیر از بخش ورزش) تفکیک می کنیم. بنابراین خواهیم داشت:

$$I = I^P + I^{GO} + I^{GS} \quad (17)$$

که در آن متغیر I^{GS} بیانگر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص دولت در بخش ورزش و متغیر I^{GO} معرف تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در سایر بخش ها (غیر از بخش ورزش) می باشد. با لحاظ روابط (۱۵)، (۱۶) و (۱۷) در مدل، فرم لگاریتمی تابع تولید کاب-داگلاس به صورت زیر خواهد بود:

$$LQ = \alpha_0 + \beta_0 LL + \beta_1 LIGS + \beta_2 LIGO + \beta_3 LIP + U \quad (18)$$

در متون و ادبیات رشد، عامل نیروی انسانی و تغییرات جمعیتی و در مراحل بعدی، سرمایه انسانی و نیروی کار دانش مدار به عنوان متغیرهای مهم در الگوی رشد معرفی شده اند؛ لذا این متغیر نیز در نظر گرفته شده و همچنین متغیر مجازی دوران جنگ نیز آورده شده است. لذا الگوی نهایی به صورت زیر خواهد بود:

$$LGDP = \alpha_0 + \beta_0 LL + \beta_1 LIP + \beta_2 LIG + \beta_3 LS + \beta_4 LHC + \beta_5 D_1 + U \quad (19)$$

که در آن:

$LGDP$: لگاریتم تولید ناخالص داخلی؛

LL : لگاریتم نیروی کار شاغل در اقتصاد؛

LIP : لگاریتم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش خصوصی؛

LIG : لگاریتم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص دولت در سایر بخش ها (به غیر از بخش ورزش)؛

LS : لگاریتم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص دولت در بخش ورزش؛

LHC : لگاریتم سرمایه انسانی؛

D_1 : متغیر مجازی برای دوران جنگ.

روش اقتصادسنجی مورد استفاده برای برآورد الگوی فوق، روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL^۱) می‌باشد. بدین منظور از داده‌های سری زمانی سالیانه کشور طی دوره زمانی ۸۹-۱۳۵۸ استفاده شده است.

۵- برآورد مدل و نتایج حاصل از آن

۵-۱- آزمون مانایی متغیرها

قبل از برآورد مدل، لازم است ابتدا آزمون ریشه واحد برای متغیرهای فوق‌الذکر انجام شود. برای این منظور از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) استفاده شده است. زیرا در روش ARDL متغیرها باید I(۰) یا I(۱) باشند. یعنی متغیرها باید مانا بوده یا با یک بار تفاضل‌گیری مانا شوند. بر اساس این آزمون، کلیه متغیرها در سطح مانا نبوده؛ اما پس از یک بار تفاضل‌گیری، همان‌طور که در جدول شماره (۳) ملاحظه می‌گردد، همگی مانا می‌شوند (حرف d قبل از نام متغیرهای الگو، نماد تفاضل مرتبه اول آنها است).

جدول ۳. بررسی مانایی متغیرهای الگو بر اساس دیکی-فولر تعمیم یافته

متغیر	عرض از مبدأ و روند	مقدار آماره t دیکی فولر	مقادیر بحرانی
<i>dLGD</i>	عرض از مبدأ	-۳/۶	-۲/۵۹
	عرض از مبدأ و روند	-۳/۹	-۳/۵۵
<i>dLIP</i>	عرض از مبدأ	-۵/۲	-۲/۵۹
	عرض از مبدأ و روند	-۵/۵	-۲/۵۵
<i>dLL</i>	عرض از مبدأ	-۵/۶	-۲/۵۹
	عرض از مبدأ و روند	-۵/۵	-۳/۵۵
<i>dLIG</i>	عرض از مبدأ	-۳/۷	-۲/۵۹
	عرض از مبدأ و روند	-۳/۹	-۳/۵۵
<i>dLS</i>	عرض از مبدأ	-۴/۵	-۲/۵۹
	عرض از مبدأ و روند	-۴/۷	-۳/۵۵
<i>dLHC</i>	عرض از مبدأ	-۶/۵	-۲/۵۹
	عرض از مبدأ و روند	-۶/۷	-۳/۵۵

مقادیر بحرانی مربوط به آماره دیکی فولر در سطح ۵ درصد می‌باشد.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

1. Auto Regressive Distributed Lag

۲-۵- تخمین مدل و نتایج حاصل از آن

پس از انجام آزمون مانایی متغیرها، مدل، با استفاده از روش ARDL تخمین زده شده و از نرم افزار microfit استفاده شده است. در جدول شماره (۴) برآورد الگوی ARDL تابع تولید ناخالص داخلی با در نظر گرفتن حداکثر وقفه متغیرها به میزان ۲ بر اساس معیار شوارز بیترین (SBC^۱) نشان داده شده است:

جدول ۴. نتایج حاصل از الگوی پویای ARDL

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
<i>LGDP(-1)</i>	۰,۲۷۶۰۸	۰,۱۰۳۸۰	۲,۵۹۹۷	۰,۰۱۷
<i>LGDP(-2)</i>	-۰,۲۳۵۳۶	۰,۰۸۷۴۲	-۲,۶۹۲۲	۰,۰۱۵
<i>LS</i>	۰,۰۲۳۱۴۱	۰,۰۱۶۲۰۹	۱,۴۲۷۷	۰,۱۷۱
<i>LIP</i>	-۰,۰۲۱۷۲۸	۰,۰۳۴۸۹۴	-۰,۸۷۲۸۱	۰,۳۹۵
<i>LIG</i>	-۰,۰۰۲۰۴۸۸	۰,۰۱۶۱۳۴	-۰,۱۲۷۰۷	۰,۹
<i>LIG(-1)</i>	۰,۰۴۷۹۸۷	۰,۰۱۶۰۱۱	۲,۹۹۷۱	۰,۰۰۸
<i>LHC</i>	۰,۸۵۴۲۹	۰,۱۶۹۰۹	۵,۰۵۲۲	۰
<i>LL</i>	۳,۹۸۴۵	۰,۷۶۰۷۱	۵,۲۳۷۹	۰
<i>C</i>	-۵۴,۵۳۹۲	۱۲,۸۵۴۰	-۴,۲۴۳۰	۰,۰۰۱
<i>T</i>	-۰,۰۹۹۷۹۱	۰,۰۲۷۲۵۳	-۳,۶۶۱۷	۰,۰۰۲
<i>D₁</i>	-۰,۰۲۶۷۰۷	۰,۰۱۹۵۰۲	-۱,۳۶۹۴	۰,۱۸۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، متغیر سرمایه‌گذاری در ورزش، اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی ندارد. متغیر سرمایه‌گذاری دولتی در بخش غیر ورزشی با یک دوره تأخیر بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. متغیرهای سرمایه‌انسانی، اشتغال نیروی کار و متغیر روند اثر معنی‌داری دارند. همچنین اثر متغیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی معنی‌دار نیست.

شرط آنکه رابطه پویای کوتاه‌مدت به سمت تعادل بلندمدت گرایش یابد، این است که مجموع ضرایب متغیر وابسته با وقفه، کمتر از یک باشد. برای انجام آزمون مورد نظر باید عدد یک را از مجموع ضرایب با وقفه وابسته کسر و بر مجموع انحراف معیار ضرایب مذکور تقسیم کرد:

$$(-۰,۲۳۵۳۶ + ۰,۲۷۶۰۸) / (۰,۱۰۳۸۰ + ۰,۰۸۷۴۲۲) = -۵,۰۱۶۵۷۸$$

از آنجایی که قدر مطلق t به دست آمده از قدر مطلق مقادیر بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولا و مستر (۳,۳۵-) بزرگتر است و فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود هم‌انباشتگی رد شده و وجود

1. Schwarz Bayesian Criterion

رابطه بلند مدت پذیرفته می‌شود. وجود همجمعی بین متغیرهای الگو، زمینه را برای استفاده از الگوهای تصحیح خطا فراهم می‌آورد. عمده‌ترین دلیل اهمیت این الگو آن است که این الگو نوسانات کوتاه مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت آنها ارتباط می‌دهند. بر این اساس هنگامی که دو متغیر Y_t و X_t همجمع هستند، یک رابطه تعادلی بلند مدت میان آنها وجود دارد، اما در کوتاه مدت ممکن است عدم تعادل‌هایی وجود داشته باشد.

۳-۵- نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطا (ECM)

مدل تصحیح خطا برای بررسی وجود ارتباط بین کوتاه‌مدت و بلندمدت مدل بوده و به نوعی پویایی مدل را نشان می‌دهد. شکل اقتصادسنجی این مدل به صورت زیر قابل نمایش است:

$$d(LGDP) = \alpha_1 d(LGDP_1) + \alpha_2 d(LS) + \alpha_3 d(LIP) + \alpha_4 d(LIG) + \alpha_5 d(LIG_1) + \alpha_6 d(LHC) + \alpha_7 d(LL) + \alpha_8 d(C) + \alpha_9 d(T) + \alpha_{10} d(D_1) + \alpha_{11} ecm(-1)$$

$$dLGP_1 = LGDP(-1) - LGDP(-2)$$

$$dLIG_1 = LIG(-1) - LIG(-2)$$

که در آن d علامت تفاضل مرتبه اول بوده و ecm نشان دهنده جملات پسماند رابطه بلند مدت تخمین زده شده، می‌باشد. در صورتیکه ضریب جملات خطا بین (-1) و (0) از لحاظ آماری معنی دار باشد، گویند ارتباط قوی بین روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت مدل وجود داشته و اندازه ضریب سرعت تعدیل مقادیر کوتاه‌مدت متغیر وابسته به مقدار بلندمدت خود را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطا

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
$dLGP_1$	۰,۲۳۵۳۶	۰,۸۷۴۲۲	۲,۶۹۲۲	۰,۰۱۴
dLS	۰,۰۲۳۱۴۱	۰,۰۱۶۲۰۹	۱,۴۲۷۷	۰,۱۷
$dLIP$	۰,۰۲۱۷۲۸	۰,۲۴۸۹۴	۰,۸۷۲۸۱	۰,۳۹۴
$dLIG$	-۰,۰۰۲۰۴۸۸	۰,۰۱۶۱۲۴	-۰,۱۲۷۰۷	۰,۹
$dLIG_1$	-۰,۰۹۱۸۴۶	۰,۰۱۹۳۴۸	-۴,۷۴۷۲	۰
$dLHC$	۰,۸۵۴۲۹	۰,۱۶۹۰۹	۵,۰۵۲۲	۰
dLL	۳,۹۸۴۵	۰,۷۶۰۷۱	۵,۲۳۷۹	۰
dC	-۵۴,۵۳۹۲	۱۲,۸۵۴۰	-۴,۲۴۳۰	۰,۰۰۱
dT	-۰,۰۹۹۷۹۱	۰,۰۲۷۲۵۳	-۳,۶۶۱۷	۰,۰۰۲
dD_1	-۰,۰۲۶۷۰۷	۰,۰۱۹۵۰۲	-۱,۳۶۹۴	۰,۱۸۹
$ecm(-1)$	-۰,۹۵۹۲۸	۰,۹۹۸۰۲	-۹,۶۱۱۸	۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ضریب ecm باید منفی و قدرمطلق آن کوچکتر از واحد باشد تا الگو به سمت تعادل بلند مدت خود گرایش یابد. برقراری این ویژگی در جدول زیر نشان دهنده وجود رابطه بلندمدت معنی دار بین متغیرهای الگو می باشد. بر اساس نتایج ارائه شده، ضریب $ecm(-1)$ برابر $(-0,95)$ می باشد و این بدان معنی است که اگر از یک دوره t به دوره بعدی $(t+1)$ حرکت کنیم، حدود ۹۵ درصد انحراف تولید ناخالص داخلی از مسیر بلند مدتش توسط متغیرهای مدل تصحیح شود. به عبارت دیگر، اگر هرگونه شوک یا عدم تعادلی در تولید ناخالص داخلی ایجاد شود، حدود ۹۵ درصد آن طی یک دوره تعدیل می شود.

۴-۵- نتایج حاصل از برآورد الگوی بلند مدت

همان طور که گفته شد $ARDL$ یک روش آماری برای تعیین وجود یا عدم وجود همگرایی میان متغیرهای مدل می باشد. از آنجایی که روشهایی مانند انگل - گرنجر به دلیل در نظر نگرفتن واکنش های پویای کوتاه مدت موجود بین متغیرها، در مطالعاتی که با نمونه های کوچک سر و کار دارند، اعتبار لازم را ندارند (چرا که برآوردهای حاصل از آنها تورش دار می باشد)، لذا انجام آزمون فرضیه با استفاده از آماره های معمول مثل t معتبر نخواهد بود. در جدول شماره (۶) برآورد الگوی بلند مدت تابع تولید ناخالص داخلی نشان داده شده است.

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد الگوی بلند مدت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
LS	۰,۲۴۱۲۳	۰,۱۶۹۸۷	۱,۴۲۰۱	۰,۱۷۴
LIP	۰,۲۲۶۵۱	۰,۲۵۲۴۳	۰,۸۹۷۳۲	۰,۳۸۲
LIG	۰,۱۴۳۶۳	۰,۲۴۹۳۴	۵,۷۶۰۶	۰
LHC	۰,۴۳۳۵۷	۰,۱۸۶۹۱	۲,۳۱۹۷	۰,۰۳۳
LL	۴,۱۵۳۷	۰,۹۳۴۶۷	۴,۴۴۴	۰
C	-۵۶,۸۵۴۴	۱۵,۵۶۳۳	-۳,۶۵۳۱	۰,۰۰۲
T	-۰,۱۰۴۰۳	۰,۰۳۲۵۸۴	-۳,۱۹۲۵	۰,۰۰۵
D_1	-۰,۰۲۷۸۴	۰,۰۲۱۷۳۵	-۱,۲۸۰۹	۰,۲۱۷

مأخذ: یافته های تحقیق

۵-۵- آزمون‌های تشخیصی

یکی از فروض مدل رگرسیون کلاسیک خطی این است که اجزاء اخلاص دارای واریانس همسان هستند و در صورت رد این فرضیه، پارامترها با وجود اینکه خطی و بدون تورش هستند، دیگر کارا و دارای حداقل واریانس نیستند. یکی دیگر از آزمون‌های تشخیص، عدم وجود خود همبستگی بین اجزاء اخلاص و عدم همبستگی سریالی می‌باشد و همان نتایج ناهمسانی واریانس را در پی خواهد داشت. از آزمون‌های تشخیص دیگر می‌توان به فرم تبعی مناسب یا تصریح مدل اشاره نمود (گجراتی، ۱۳۸۷). نتایج این آزمون‌ها در جدول زیر ملاحظه می‌گردد.

جدول ۷. آزمون‌های تشخیصی

نام آزمون تشخیصی	میزان احتمال آماره		آماره F	میزان احتمال آماره F
	آماره χ^2	میزان احتمال آماره χ^2		
عدم همبستگی سریالی	۱,۴۱۳۲	۰,۲۳۵	۰,۷۹۰۹۵	۰,۳۸۷
فرم تبعی مناسب	۰,۱۵۶۸۸	۰,۶۹۲	۰,۰۸۴۰۸	۰,۷۷۶
همسانی واریانس	۳,۰۵۶۶	۰,۱	۳,۱۷۶۵	۰,۱۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بر اساس میزان احتمال دو آماره χ^2 و F ، مقادیر احتمال تمامی آزمون‌های تشخیصی بیش از مقدار عددی ۰,۰۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر عدم وجود همبستگی، فرم تبعی مناسب و همسانی واریانس جملات اخلاص رد نمی‌شود. لذا الگوی مورد نظر مشکل خود همبستگی، تصریح الگو و ناهمسانی واریانس ندارد.

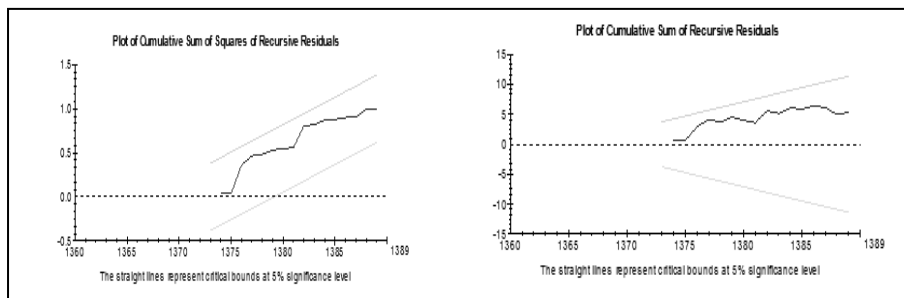
۵-۶- آزمون‌های ثبات

آزمون‌های ثبات، برای مشخص کردن الگو و تعیین ثبات ساختاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس نظرات پسران (۲۰۰۲) و بهمنی اسکویی (۲۰۰۱)، این آزمون‌ها می‌تواند نشان دهد که الگو بیش از اندازه و یا در حد معین، با ثبات است یا خیر؟ این آزمون‌ها، در مورد داده‌های سری زمانی، بخصوص زمانی که مطمئن نیستیم که شکست ساختاری چه موقع ممکن است اتفاق افتاده باشد، بیشتر کاربرد دارد.

زمانی که ثبات کوتاه مدت و بلند مدت الگو به طور همزمان مورد بررسی قرار می‌گیرد، از نمودارهای $CUSUM^1$ (آزمون مجموع تراکمی خطاهای بازگشتی) و $CUSUMQ^1$ (آزمون مجموع

1. Cumulative Sum of Recursive Residual

مجذور تراکمی خطاهای بازگشتی)، استفاده می‌کنیم. طبق نظر اسکویی در سال ۲۰۰۱، فرضیه صفر مبنی بر با ثبات بودن الگو را نمی‌توان پذیرفت، اگر نمودار آماری به دست آمده یکی از باندهای طرفین را در سطح ۵ درصد قطع نماید. بنابراین چون در نمودارهای به دست آمده (CUSUM و CUSUMQ)، نمودار وسط، یکی از باندهای طرفین را قطع نکرده، ثبات دائمی بلند مدت برای الگوی تابع تولید ناخالص داخلی قابل قبول خواهد بود.



نمودار ۱. آزمون مجموع تراکمی و مجموع مجذور تراکمی خطاهای بازگشتی

۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

در حال حاضر، ورزش و تفریحات سالم در کشورهای توسعه یافته به عنوان یک صنعت مهم و عامل اثرگذار در رشد اقتصادی این کشورهاست. ورزش یکی از بزرگترین و پردرآمدترین صنایع در قرن ۲۱ به شمار می‌رود. صنعت ورزش به سرعت جهانی شده و همه جا را تسخیر کرده است. این صنعت با همه جنبه‌های اقتصادی آن از جمله سالن‌های ورزشی، رسانه‌های گروهی، پوشاک و غذا و... توانسته است سهم عمده‌ای از GDP کشورها را به دست آورد. به طوری که سهم صنعت ورزش از GDP، در برخی از کشورهای پیشرفته بیش از ۲ درصد گزارش شده و جایگاه این صنعت را در بین دیگر صنایع ارتقاء بخشیده است. تحولات گوناگون طی چند دهه اخیر بخصوص در بخش صنعت و فناوری، بر رابطه بین اقتصاد و ورزش تأثیر گذاشته، چنانکه امروز حجم پول در گردش، در بخش صنعت فراغت به طور عام و در بخش ورزش به طور خاص، ورزش را به یکی از شیوه‌های کسب درآمد ملی و منطقه‌ای تبدیل کرده که چشم پوشی از آن امکان پذیر نیست. بررسی‌ها در جوامع پیشرفته نشان داده‌اند که ورزش از عوامل تأثیرگذار در رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورها، در آینده خواهد بود.

1. Cumulative Sum of Squares Recursive Residual

در این مقاله اثر سرمایه‌گذاری در بخش ورزش (دولتی) ایران بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. حضور بخش خصوصی در ورزش ایران خیلی کم است و همچنین آمار و اطلاعاتی نیز وجود ندارد. لذا از اطلاعات و داده‌های دولتی استفاده شده است. نتایج حاصل از آن با توجه به مدل $ARDL$ بدین شرح می‌باشد: ابتدا مانایی و نامانایی داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت که داده‌ها در سطح مانا نبودند و با یک بار تفاضل‌گیری مانا شدند. نتایج آزمون کوتاه‌مدت نشان می‌دهد که اثر سرمایه‌گذاری دولت در بخش ورزش مثبت و غیر معنی‌دار می‌باشد. آنچه که مسلم است این است که با توجه به مطالعاتی که در کشور انجام شده، سهم بخش ورزش از تولید ناخالص داخلی پایین می‌باشد (۰,۳۹ درصد). و همچنین با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده در خصوص سرمایه‌گذاری دولت در ورزش همگانی و حرفه‌ای، از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ به علت انقلاب و جنگ تحمیلی بحث ورزش در اولویت اقتصاد کشور قرار نداشت و بررسی‌های انجام شده در بودجه کشور و اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری در این بخش بیانگر این است که رقم قابل ملاحظه‌ای هزینه نشده و بعد از جنگ نیز به علت سازندگی در کشور و نیاز مبرم به ساخت و ساز در حوزه‌های دیگر، حوزه ورزش مورد توجه قرار نگرفته و سرمایه‌گذاری در ورزش در دهه ۱۳۸۰ بیشتر مورد توجه بوده ولی به علت اینکه قسمت عمده بخش ورزش دولتی می‌باشد و هنوز زیرساخت‌های لازم در این زمینه ایجاد نشده، لذا تأثیر چندانی بر رشد اقتصادی نداشته است.

همان‌طور که بحث شد، یکی از بخش‌های اثرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی برگزاری رویدادهای ورزشی در یک کشور می‌باشد. در ایران به همان دلایل مذکور و به علت اینکه هنوز خیلی از ورزش‌ها حرفه‌ای نشده، مسابقات و رویدادهای بین‌المللی خاصی در کشور اتفاق نیافتاده و چند رویداد در سطح قاره‌ای انجام شده، لذا آنچنان تأثیری بر رشد اقتصادی نداشته است.

همان‌طور که در جدول نتایج تخمین مشاهده می‌شود، ضریب ورزش در مدل $0,23$ بوده و در سطح 5 درصد معنی‌دار نمی‌باشد. سایر متغیرها به غیر از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سطح 5 درصد مثبت و معنی‌دار می‌باشد. سرمایه‌گذاری بخش دولتی (به غیر از بخش ورزش) نیز با یک دوره تأخیر بر رشد اقتصادی اثرگذار بوده است. بر اساس نتایج ارائه شده ضریب $ecm(-1)$ برابر $(-0,95)$ می‌باشد و این نشان دهنده آن است که اگر از یک دوره t به دوره بعدی $(t+1)$ حرکت کنیم، حدود 95 درصد انحراف در تولید ناخالص داخلی از مسیر بلند مدتش توسط متغیرهای الگو تصحیح شود. به عبارت دیگر اگر هرگونه شوک یا عدم تعادلی در تولید ناخالص داخلی ایجاد شود، حدود 95 درصد آن طی یک دوره تعدیل می‌شود. بنابراین حرکت به سمت تعادل با سرعت بالایی انجام می‌شود.

با توجه به الگوی بلند مدت تعادل، در بلند مدت نیز سرمایه‌گذاری دولت در ورزش بر رشد اقتصادی اثر معنی‌داری ندارد. دلایل فوق‌الذکر توجیه‌کننده این مطلب می‌باشد. آزمون‌های تشخیص و ثبات نیز نشان‌دهنده درست بودن الگو و جعلی نبودن آن می‌باشد. توصیه سیاستی این

است که با توجه به اینکه ورزش در دنیا به سمت یک کالای اقتصادی در حال حرکت می‌باشد و ایران هنوز اول راه می‌باشد و نیاز به سرمایه‌گذاری زیادی در این زمینه می‌طلبد، لذا پیشنهاد می‌شود دولت با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ورزشی و همچنین آموزش آن، چه در سطح ورزش عمومی و چه در سطح حرفه‌ای، زمینه را برای اثرگذاری ورزش در رشد اقتصادی فراهم نماید.

منابع و مآخذ

- آندرف، ولادیمیر و فرانسوئیس، ژان (۱۳۸۰) اقتصاد ورزش؛ ترجمه الله‌وردی جزایری؛ سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران.
- اشنفلدر، مارک جی و مینگ لی (۱۳۹۰) اقتصاد ورزش؛ ترجمه محمدرضا کاظمی، جهانگیر یدالهی و مصیب پهلوانی؛ انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- الهی، علیرضا (۱۳۸۷) موانع و راهکارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال ایران؛ رساله دکتری دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران.
- بانک مرکزی ج.ا.ا، ترانامه و داده‌های سری زمانی، سالهای مختلف.
- تشکینی، احمد (۱۳۸۴) اقتصادسنجی کاربردی به کمک microfit؛ تهران: انتشارات دیباگران.
- دائی کریمزاده، سعید؛ مصطفی عمادزاده و هادی کامکار دلاکه (۱۳۸۸) اثر سرمایه‌گذاری دولت در بخش حمل و نقل بر رشد اقتصادی در ایران؛ فصلنامه مدل سازی اقتصادی، سال سوم، شماره ۴، پیاپی ۱۰: ۶۳-۸۲.
- شقایق شهری، وحید (۱۳۸۷) بررسی اثرات فساد مالی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی؛ رساله دکتری اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
- عباسی، منصوره (۱۳۸۳) بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر جلب سرمایه‌های مستقیم خارجی و موانع آن در ایران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- عسکریان، فریبا (۱۳۸۳) بررسی وضعیت اقتصادی صنعت ورزش ایران در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ با تکیه بر تخمین GDSP؛ رساله دکتری دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران.
- عصاری آرانی، عباس و وجیهه افضلی ابرقویی (۱۳۸۹) ارتباط اندازه دولت و توسعه انسانی (مقایسه کشورهای نفتی و کشورهای در حال توسعه غیرنفتی)؛ رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶: ۶۱-۹۰.
- قوانین بودجه کشور، سالهای مختلف.
- گجراتی، دامودار (۱۳۸۷) مبانی اقتصاد سنجی؛ ترجمه حمید ابریشمی؛ انتشارات دانشگاه تهران.
- میدری، احمد (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲: ۸۷-۲۶۱.
- وزارت ورزش و جوانان، آمار معاونت برنامه ریزی، سالهای مختلف.
- Andreff, W. (2000) Sport and economic development; Play the Game: 12-16.
- Andreff, W. (2006) Sport in Developing Countries; Edward Elgar Publishing, pp. 308-315.

- Andreff, W. (1994) *The Economic Importance of Sport in Europe: Financing and Economic Impact*; Committee for the Development of Sport, Council of Europe, Strasbourg.
- Andreff, W.; Bourg, J.F.; Halb, B. & Nus, J.F. (1995) *Economic factors of Sport in Europe: Financing and Economic Impact*, paris: Dalloz.
- Baade, R. and Dye, R. (1988) *Sports stadiums and area development: a critical review*; *Economic Development Quarterly*, 2, No. 3: 265-275
- Baade, R.A. (1996) *Professional sports as catalysts for metropolitan economic development*; *Journal of Urban Affairs* 18 (1): 1-17.
- Baade, R.A. & Sanderson, A.R. (1997) *The employment effect of teams and sports facilities*. In: Noll, R.G. & Zimbalist, A. (Eds.), *Sports, Jobs and Taxes: The Economic Impact of Sports Teams and Stadiums*. Brookings Institution, Washington, DC, pp. 92-118.
- Baad, A. robert (1994) *Stadiums, Professional Sports, and Economic Development: Assessing the Reality*; No.62.
- Baad A. robert and Richard F. Dye (1988) *Sports Stadiums and Area Development: A Critical Review*; *Economic Development Quarter*, pp. 265-275.
- Bloom, M.; Grant, M. & Watt, D. (2005) *Strengthening Canada; The Socio-Economic Benefit of Sport Participation in Canada*.
- Boit, M. (2000) *Using Sport in National Development*: [www. play the game. org](http://www.playthegame.org).
- Chang-Kyun, K. (1997) *The development of Sport of Sports Industry in Korea and their tasks*; 1st Sport Industry Seminar.
- Coates, Dennis & Brad R. Humphreys (2003) *The effect of professional sports on earnings and employment in the services and retail sectors in US cities*; *journal of Regional Science and Urban Economics*, V. 33, pp. 175-198.
- Coates, D. & Humphreys, B.R. (1999) *The growth effects of sports franchises, stadia and arenas*; *Journal of Policy Analysis and Management* 18 (4), 601-624.
- Coates, D. & Humphreys, B.R. (2001) *The economic consequences of professional sports strikes and lockouts*; *Southern Economic Journal* 67 (3): 737-747.
- Coates, D. & Humphreys, B.R. (2002a) *The Spatial Economic Impact of Stadiums and Arenas*; paper presented at the Southern Economic Association Meetings, New Orleans, LA.
- Coates, D. & Humphreys, B.R. (2002b) *The Economic Impact of Postseason Play in Professional Sports*.; *Journal of Sports Economics* 3(3): 291-299.
- Coates, D. & Humphreys, B.R. (2002c) *Voting on Stadium and Arena Subsidies*; Paper presented at the Public Choice Society Meetings, San Diego, CA.

- Coates, D. & Humphreys, B.R. (2001b) Professional Sports and Metropolitan Economies: Evidence from Microeconomic Data; Paper presented at the Western Economic Association annual meetings, San Francisco, CA.
- Dickey, D.A. & Fuller, W. A. (1981) Likelihood ratio statistics for autoregressive time series with a unit root; *Econometrica* 49 (4): 1057-72.
- Douglas, M. Turco (1993) Assessing the Economic Impact and Financing Return on Investment of a National Sporting Event; *Sporting marketing Quarterly*, 2(3): 239-248.
- Dwyer, L.; Mellor, R.; Mistilis, N. & Mules, T. (2000) A framework for assessing "tangible" and "intangible" impacts of events and conventions; *Event management*, 6(2): 175-189.
- Forrest, D. & Simmons, R. & FeeHan, R. (2002) A Spatial Cross-Sectional Analysis of the Elasticity of Demand for Soccer; *Scottish Journal of Political economy*, 49(3): 336-355.
- Fort, R. (2006) *Sports economics*; 2nd ed., Upper Saddle River, NJ: Pearson Prentice Hall.
- Granger, C.W.J. & Newbold, P. (1974) Spurious regressions in econometrics; *Journal of Econometrics*, 2(1): 111-120.
- Gratton, C. & Taylor, P. (2002) *Economic of Sport and Recreation*; Simultaneously published in the USA and Canada by Routledg.
- Grossman, M. (1972) On the concept of health capital and the demand for health; *The Journal of Political Economy* 80: 223-255.
- Haan, M.; Koning, R.H. & Witteloostuijn, A. V. (2002) Market force in European Soccer; This paper was prepared for the Dutch Conference on Market regulation.
- Huang, Liuqian (2011) Research on Effect of Beijing Post-Olympic Sports Industry to China's Economic Development; *Energy Procedia* 5 (2011) 2097-2102.
- Jones, H. G. (1989) *The Economic Impacts and Importance of Sports: a European Study*; Strasbourg council of Europe.
- Kavetsos, G. & Szymanski, S. (2010) National well-being and international sports events; *Journal of Economic Psychology* 31: 158-171.
- Kesenne, S. (1999) *The Economic Impact of Events*; Neuchatel: Edition CIES.
- Kesenne, S. (1997) Miscalculations and Misinterpretations in Economic Impact Analysis; Paper presented at the CIES workshop, Switzerland.
- Meek, A. (1997) An Estimate of the Size and supported Economic Activity of the Sport Industry in the United State; *Sprt Marketing Quarterly* 6(4): 15-21.
- Nana, G.; Sanderson, k. & Goodehid, M. (2002) *Economic impact of sport*; Business and Economic Research Ltd (BERL), New Zealand.

- Noll, R.G.& Zimbalist, A. (Eds.) (1997b) Sports, Jobs and Taxes: The Economic Impact of Sports Teams and Stadiums; Washington: The Brookings Institution Press.
- Parks, J. B.; Zanger, B.R. K. & Quarterman, J. (1998) Contemporary Sport Management; Human Kinetics Publishers.
- Pitts, B. G. & Fielding, L. W. & Miller, L. K. (1994) Industry Segmentation theory and the Sport Industry: Developing a Sport Industry Segmentation Model, Sport Marketing Quarterly, 3(1): 15-24.
- Pitts, B. G. & Statler, P.K. (1996) Fundamental of Sport Marketing Morgantown; Fitness Information Technology.
- Sanderson, K.; Harris, F.; Russel, S.& Chase, S. (2000) The economic benefit of sport: A Review, Business and Economic Research Ltd (BERL).
- Skinner, j. & Zakus, D. H. (2008) Development through Sport: Building Social Capital in Disadvantaged Communities; Sport Management Review 11: 253-275.
- Rosner, D. (1989) The world play catch-up; The Sports Business Weekly, 1(1) 8-13.
- Simen, M. (2003) Sports Economics What is the Score?; Paper Presented at Southeaster Economic Association Annual Meeting.
- Viseu, j. (2000) Critical Analyses of European Economic Impact Studies of Sport; Economic policies research unit, Minho University.
- White, A. (2000) Who Owns Sport- The Sponsors World Sports from 2000; Play the Game.